

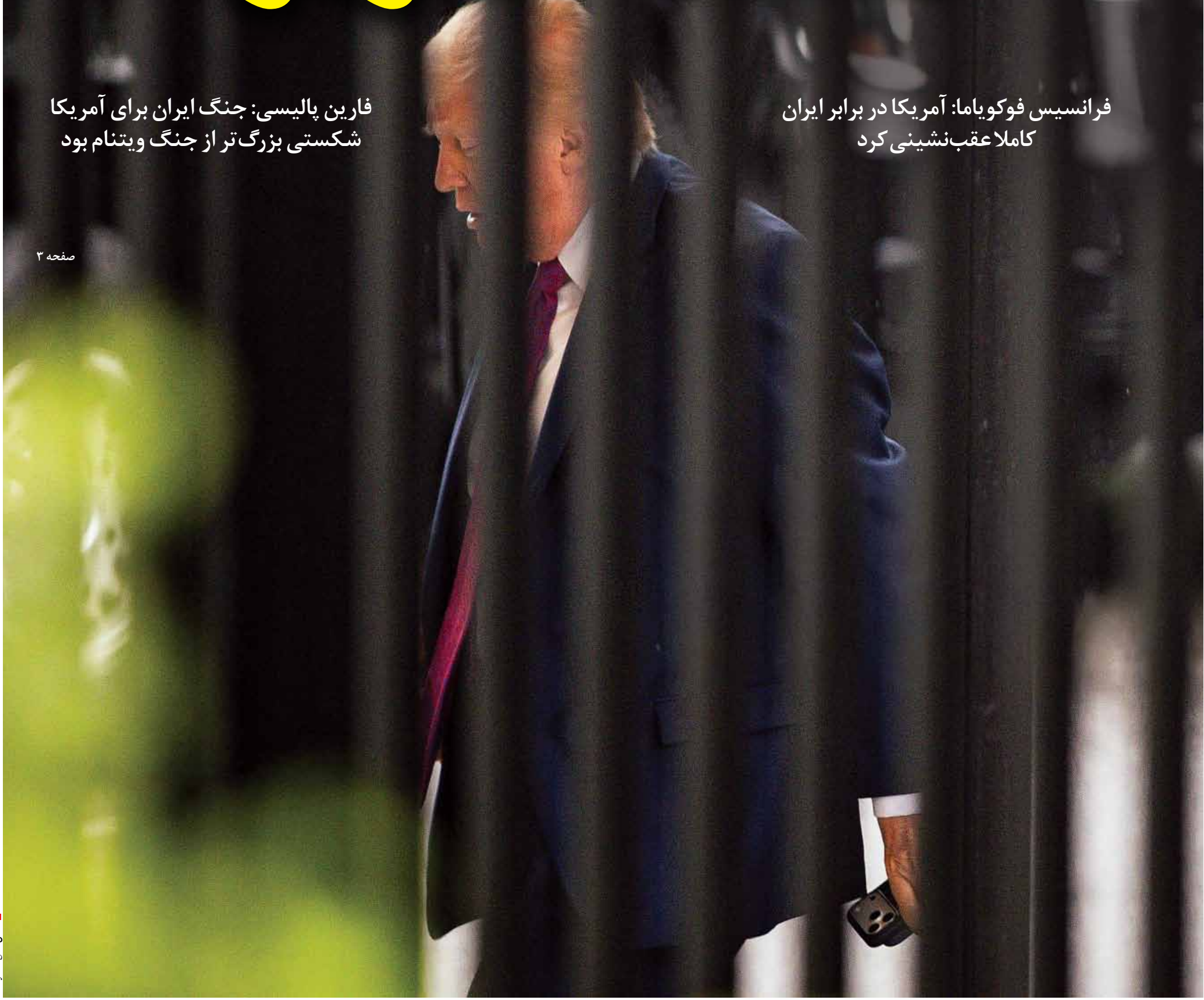


انتقادات شدید تحلیلگران و سیاستمداران آمریکایی از ترامپ به خاطر شکست در جنگ تحمیلی و عقب‌نشینی در برابر ایران ادامه دارد

محاکنه قمار باز

فارین پالیسی: جنگ ایران برای آمریکا
شکستی بزرگ‌تر از جنگ ویتنام بود

فرانسیس فوکویاما: آمریکا در برابر ایران
کاملاً عقب‌نشینی کرد



تیترهای امروز



پس از اعلام ایران مبنی بر انسداد تنگه هرمز
نتایج دستور توقف حملات به لبنان را صادر کرد

ترمز هرمز

صفحه ۲

چرا ایران باید از شکل‌گیری جبهه
سوری - آمریکایی - صهیونی علیه لبنان جلوگیری کند؟

توطئه شوم شام علیه حزب الله

صفحه ۲

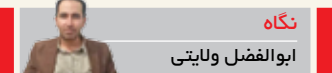
تفاهم پایان جنگ میان ایران و ایالات متحده
چه فرامتنی برای آمریکای ترامپ دارد؟

ویژه

شکست در ورسای

همین صفحه

گزارش «وطن امروز» از سناریوی جدید
واشنگتن برای لبنان
قمار ترامپ
با کارت جولانی



نگاه

ابوالفضل ولایتی

نزدیک ۸۰ سال از زمان خروج نظامیان فرانسوی از شامات و فروپاشی رسمی قیمومت فرانسه بر سوریه و لبنان می‌گذرد. سوریه و همسایه کوچک‌ترش، در طول دهه‌های متمادی، روابط پر فراز و نشیبی را پشت سر نهاده‌اند. باور تاریخی برخی سوری‌ها مبنی بر تعلق لبنان به این کشور و نقش استعمار در تأسیس حکومتی با تمرکز قوا در دستان مسیحیان در لبنان، نقشی بسزرا در تنش‌ها میان بیروت و دمشق در طول ادوار مختلف ایفا کرده است. استقرار ۴۰ هزار نظامی سوری در لبنان در حداقل ۱۹۷۶ تا ۲۰۰۵ با هدف کاهش تنش‌های فرقه‌ای در لبنان در خلال جنگ داخلی این کشور (۱۹۷۵-۱۹۹۰) موجب شد پیش از خروج نظامیان سوری در آوریل ۲۰۰۵ و به بهانه نقش دمشق در ترور رفیق حریری، اتخاذ سیاست‌های کلان در کاخ بعداً بدون موافقت سوری‌ها ناممکن به نظر رسد. مناسبات دمشق - بیروت در طول ۲ دهه گذشته نیز با فراز و فرودهایی همراه شده که مهم‌ترین آنها را می‌توان به حضور رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان، حزب‌الله، در سوریه و حمایت از دولت بشار اسد در مبارزه با گروه‌های سلفی - تروریستی نسبت داده‌اقدامی که اگرچه با حمایت برخی سوری - لبنانی‌ها در مسیر مبارزه با تروریسم همراه شد اما کینهای تاریخی از حزب‌الله را در صفوف سلفی‌ها ماندگار کرد. مراد از بازخوانی روابط سوریه و لبنان در این نوشتار، به پیشنهاد خطرناک و ماجراجویانه اخیر دونالد ترامپ بازمی‌گردد که همزمان با افزایش انتقادات از سیاست‌های جنگ‌افروانه و نقض فاحش حقوق بشر از سوی ارتش صهیونیستی در لبنان، خواستار خروج تل‌آویو از این مناقشه و سپردن زمام امور به احمد الشرع، رئیس‌جمهور خودخوانده سوریه و فرمانده پیشین تحریرالاشام شده است. ترامپ با تمجید از عملکرد الشرع مدعی شده است: «او با مشارکت من و اردوغان روی کار آمد. او از حزب‌الله خوشش نمی‌آید و این کار را بهتر انجام می‌دهد. اگر اسرائیل نمی‌تواند بدون کشتن دیگران کار را تمام کند، سوریه این کار را خواهد کرد.»

■ رمزگشایی از اهداف پیشنه‌های ترامپ

پیشنهادهای مخاطره‌آمیز ترامپ را باید ذیل برنامه‌های کلان ایالات متحده در دوران پسامفتم و در مسیر منافع کلان رژیم صهیونیستی ارزیابی کرد؛ اقدامی که در صورت عملیاتی شدن، منطقه خاورمیانه را آستان بحرانی جدید خواهد کرد.

تفاهم پایان جنگ میان ایران و ایالات متحده چه فرامتنی برای آمریکای ترامپ دارد؟

شکست در ورسای

باشند. در این صورت، تنگه [هرمز] هرگز باز نخواهد شد». ترامپ سپس عصر چهارشنبه در حاشیه نشست «جی ۷» در پاریس، کنفرانسی خبری برگزار کرد. او در جریان این نشست تصریح کرد: «ذخایر نفت ما و جهان حدود ۴ هفته دیگر تمام می‌شود». رئیس دولت آمریکا در خصوص دارایی‌های مسدودشده ایران هم گفت: «ما پول آنها را از آنها گرفته‌ایم. این پول آنهاست و ما آن را در یک مقطع زمانی خاص مسدود کردیم. فکر می‌کنم باید آن را پس بدهیم. اگر آن را پس ندهیم، هیچ‌کس دیگر هرگز در دلار سرمایه‌گذاری نخواهد کرد». او سپس در بخش دیگری از صحبت‌هایش با اشاره به تبعات جنگ با ایران اعتراف کرد: «نمی‌خواستم اقتصاد به فاجعه برسد؛ اگر این روند ادامه پیدا می‌کرد، ممکن بود چنین چیزی پیش بیاید. هر بار که حرف از صلح به میان می‌آمد، بازار سهام بالا می‌رفت. بازار سهام از همه باهوش‌تر است». ترامپ افزود: «هرچنان جهان همگی از این توافق خوشحالند. هیچ کشوری نیامد به ما بگوید «خواهش می‌کنم بمب‌های بیشتری روی آنها بریزید»، فقط آدم‌های احمق چنین حرفی می‌زنند. اگر این توافق را نمی‌بستیم، می‌توانستیم ۲ تا ۳ یا ۴ میلیارد دلار با عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر دربار ما معامله کنیم. ترامپ افزود: «ایرانی‌ها باید تعدادی موشک در چنین شرایطی است که مجله تخصصی سیاست خارجی آمریکا، فارن پالیسی می‌نویسد: جنگ بی‌دلیل و شکست‌خورده ترامپ و نتانیاهو علیه ایران احتمالاً باعث تغییر اساسی در موازنه قدرت جهانی شده

سیاسی در تاریخ است که حداقل از جنگ دوم جهانی به بعد مستقیماً پایگاه‌های ایالات متحده را هدف قرار داده و منهدم کرده است. برای اولین بار هوایمی‌آواکس آمریکا مورد حمله واقع شد، برای اولین بار سامانه‌های تاد و رادارهای فوق پیشرفته آمریکا نابود شد، ذخایر موشکی و رهگیری واشنگتن برای اولین بار تحت فرسایش بی‌سابقه قرار گرفت و در نهایت زمینه‌زینی ارتش این کشور در ایران آخرین شکستی بود که در جنگ نصیب آمریکایی‌ها شد. از این منظر، تفاهم پایان جنگ ایران و ایالات متحده، سوای متن و نقدفنی بندهای آن، یک فرامتن دارد که محدودیت‌های قدرت آمریکا را آشکار کرد یا دقیق‌تر جنگ نامتوازن ایران، شکست را به ترمیمی محتمل کرد که برای بازگشت عظمت آمریکا دوباره به کاخ سفید آمده بود و قرار بود با «صلح از طریق قدرت» یک تسلیم بی‌قید و شرط به ایران تحمیل کند. ساکن کاخ سفید حالا پیروزی خودش را چه می‌خواند؟ اینکه تنگه هرمز باز خواهد شد و ثبات به بازارهای جهانی بازخواهد گشت. مرور مواضع ترامپ در اوپان و اجلاس «جی ۷» ساعتی قبل از آنکه به ورسای برود و سند تفاهم را امضا کند، یک توبه‌نامه مفصل و اذعان به شکست فاحشی است که دولتش - با سردمداری الهیانی چون هگست - و نتانیاهو به آمریکا تحمیل کردند. رئیس‌جمهور آمریکا ابتدا در دیدار با عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر دربار تفاهم بسته شده با ایران صحبت کرد. ترامپ در اثنای ملاقات با همتای مصری در موضعی تامل‌برانگیز اذعان کرد: «جایگزین جنگ، یک رکود جهانی خواهد بود. آدم‌های احمق می‌خواهند یک رکود جهانی داشته

پادداشت علیرضا حقیقت

ورسای در تاریخ روابط بین‌الملل شاهد حوادثی بوده است که نقاط عطف تاریخی بوده‌اند: در قرن نوزدهم، اتحاد آلمان پس از سلسله جنگ‌های پروس آن زمان، در تالار آینه کاخ ورسای شکل گرفت و ویلهلم یکم تاج پادشاهی بر سر گذاشت. در قرن بیستم، جنگ اول جهانی طی معاهدات ورسای پایان یافت، معاهداتی که نقشه جهان را دگرگون کرد، امپراتوری‌های عثمانی و اتریش - مجارستان تجزیه شدند و سند تسلیم تحقیرآمیز آلمان به این کشور تحمیل شد. ۱۰۶ سال بعد سومین اتفاق تاریخی شاید شبیه سند شکست آلمان در ورسای اتفاق افتاد: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ضیافت شام با رئیس‌جمهور فرانسه سند تفاهم پایان جنگ با ایران (Memorandum of Understanding) را امضا کرد.

جنگ رمضان، از هر جنبه‌ای یک شکست فاحش برای ترامپ و برای آمریکا بود؛ تقابلی که فارن پالیسی آن را شکستی بزرگ‌تر از ویتنام برای ایالات متحده خوانده است. فارغ از اجرایی شدن یادداشت تفاهم یا عدم موفقیت آن در تبدیل شدن به یک توافق، تا همین‌جا رئیس‌جمهور آمریکا با واقعیت‌های میدانی روبه‌رو شده است یا حداقل اینطور به نظر می‌رسد. ترامپ غیرضروری‌ترین جنگ تاریخ ایالات متحده را با ارزیابی نادرست، تاکتیک اشتباه و عدم انسجام در راهبرد آغاز کرد و عملیات خشم حماسی که قرار بود ۳ روزه نسخه ایران را در هم بپیچد، به سخت‌ترین شکست امپراتوری آمریکا منجر شد. ایران تنها واحد

است؛ تغییری که ایالات متحده و اسرائیل را در ماه‌ها و سال‌های آینده نسبتاً ضعیف‌تر خواهد کرد. این نشریه آمریکایی ادامه می‌دهد: ترامپ اکنون چه در داخل و چه در سراسر جهان، چهره‌ای به‌شدت تضعیف شده است. رجزخوانی‌های جهانی او به خاکستر و تهدیدهای توخالی تبدیل شده است. در آینده‌های قابل پیش‌بینی، نمایش قدرت ایالات متحده دیگر به اندازه گذشته شوم نخواهد بود؛ نه فقط در خاورمیانه، بلکه در هند - اقیانوسیه و اروپا نیز. فارن پالیسی تحلیل کرده یادداشت تفاهمی که امضا شد، عملاً یک سند تسلیم است، البته برای واشنگتن. آتلاتتیک هم در تحلیل تفاهمنامه ترامپ با تهران نوشت: ایران توانست ایالات متحده را وادار کند سندی را امضا کند که حتی خود آمریکایی‌ها آن را «تحقیرآمیز»، «شرم‌آور» و «تسلیم کامل» توصیف کرده‌اند. چه اهمیتی دارد اگر این توافق هرگز به طور کامل اجرا نشود یا اگر هر یک از مفاد آن در عمل کمتر از آنچه در ابتدا به نظر می‌رسید، سودمند باشد؟ در همین حال نشنال اینترست هم در گزارشی به توافق پایان جنگ پرداخته. این رسانه آمریکایی نوشت: حتی در شکل اولیه خود، این توافق‌نامه چیزهای زیادی را در مورد توازن قدرت ناشی از این رویارویی آشکار و یک سوال بزرگ‌تر را مطرح می‌کند: آیا دونالد ترامپ به چیزی بیش از آنچه بشاراک اوپاما از طریق توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ به دست آورد، دست یافته است؟ نشنال اینترست تصریح می‌کند: گمراه‌کننده خواهد بود که این تفاهمنامه را به عنوان یک پیروزی قطعی آمریکا به تصویر بکشیم. برجسته‌ترین ویژگی این توافق، نه آنچه ایران واگذار کرده، بلکه آنچه واگذار نکرده است؛ تهران برچین زیرساخت‌های هسته‌ای

خود را نپذیرفته، با گذاری قابلیت‌های غنی‌سازی موافقت نکرده، محدودیت‌ها بر برنامه موشک‌های بالستیک خود را نپذیرفته و با کنار گذاشتن شبکه‌های متحده منطقه‌ای خود نیز موافقت نکرده است. در عوض، این مسائل به مذاکرات آینده موکول شده است. در واقع، این تفاهمنامه، توقف خصومت‌ها در لبنان را به موضوع گسترده‌تر صلح بین ایران و ایالات متحده گره زده و بدین ترتیب، برای حزب‌الله، متحد بنا بر این ایران می‌تواند به طور موثقی ادعا کند از این متقابل است که هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند از اهداف استراتژیک خود دست بردارند. برای دو طرف، این تفاهمنامه، متحد خورده بیرون آمده است. برای دهه‌ها سیاست آمریکا و اسرائیل در قبال ایران اغلب بر این فرض استوار بود که فشار مداوم در نهایت تهران را مجبور می‌کند یا از اهداف استراتژیک خود دست بکشد یا با فروپاشی سیستماتیک روبه‌رو شود. اما این تفاهمنامه خلاف این نظامی، وارد مذاکرات شد. با این حال، از موضع به اندازه کافی قوی مذاکره کرد تا بیشتر برگرهای برنده اصلی خود را برای مرحله بعدی مذاکرات کند. از این رو، این تفاهمنامه نشان‌دهنده یک شناخت متقابل است که هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند از طریق ادامه درگیری به اهداف حداکثری خود دست یابند. پرسش اصلی این تفاهم شاید نه متن آن و نه حتی ۶۰ روز آینده است، پرسش کلیدی این است که تا ۶۰ روز آینده تفاهم به توافق منجر شود، آیا ایالات متحده توانی برای بازگشت دوباره به جنگ خواهد داشت؟ ترامپ از قبل همه کارت‌ها را قمار کرده است.